

امپراتور بدون امضا و دستخط همایونی

۱۱ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۲۲

ذات مبارک شاهانه اهل خواندن نبودند. حرف نوشته یا چاپ شده برای ایشان وجود خارجی نداشته مطالب باید شفاهی به عرض می‌رسید. اعلیحضرت به مدرسه نرفته بودند. تنها آموزگار ایشان - آن هم فقط در کودکی - کشیشی فرانسوی، عالیجناب ژروم، بود که بعدها اسقف هرار شد.

در ص ۳۸ کتاب آمده است :

یکی دیگر از رفتارهای عجیب امپراتور آن بود که برای حفظ پرستیژ «الهی» که برایش قائل بودند، آرام، شمرده و در بسیاری موارد «نامفهوم» سخن می‌گفت: «ذات اقدس بسیار آهسته صحبت می‌فرمودند و لب‌هایشان به ندرت تکان می‌خورد. وزیر دیوان، که در نیم قدمی تخت شاهی می‌ایستاد، برای شنیدن و نگاشتن فرمایشات ایشان ناچار بود خم شود و گوشش را به لب‌های مبارک نزدیک کند. بیانات ملوکانه معمولاً پیچیده و نارسا بود، به ویژه در مورد مطالبی که صرفاً منوط به رای همایونی بود و اظهارنظر قطعی مصلحت نمی‌نمود. زیرکی امپراتور را واقعا باید ستود. هر گاه یکی از رجال جویای تصمیم همایونی می‌شد، پاسخ سراسرست نمی‌شنید. اعلیحضرت با صدایی چنان ملایم سخن می‌گفتند که فقط به گوش وزیر دیوان می‌رسید، آن هم پس از اینکه گوش خود را مثل میکروفون نزدیک می‌برد. وزیر نجوای کوتاه و مبهم بندگان همایون را بازنویسی می‌کرد. بقیه تعبیر بود و تفسیر، و بستگی داشت به سلیقهٔ وزیر، که مامور ابلاغ کتبی اراده شاهانه بود.» (ص ۳۸)

در ص ۳۷ کتاب می‌خوانیم:

گفته‌اند سلاسی روز خود را به شنیدن گزارش‌های امنیتی آغاز می‌کرد. چرا شنیدن؟ چون او اساساً اعتقاد و علاقه‌ای به خواندن و نوشتن هم نداشت: «شب آکنده از توطئه‌های مهیب است و ایشان می‌دانستند که رویدادهای شبانه مهم‌تر از وقایع روزانه است. در خلال روز مراقب همه بودند، اما شب‌ها این کار میسر نبود. به این دلیل، به گزارش‌های بامدادی اهمیت فراوان می‌دادند... ذات مبارک شاهانه اهل خواندن نبودند. حرف نوشته یا چاپ شده برای ایشان وجود خارجی نداشته مطالب باید شفاهی به عرض می‌رسید. اعلیحضرت به مدرسه نرفته بودند. تنها آموزگار ایشان - آن هم فقط در کودکی - کشیشی فرانسوی، عالیجناب ژروم، بود که بعدها اسقف هرار شد. این مرد روحانی نتوانست امپراتور را به مطالعه عادت دهد و چون هایل سلاسی از کودکی عهده‌دار مشاغل مسئولیت‌دار اداری بودند و وقت خواندن منظم نداشتند، این خود کار را وخیم‌تر کرد. ولی موضوع به نظر صرفاً کمبود وقت

و ترک عادت نبود. رسم به عرض رساندن شفاهی امور دارای این مزیت بود که امپراتور، در صورت ضرورت، می‌توانستند، کاملاً برخلاف واقع، بگویند که فلان کس فلان چیز را گفت، و از آنجا که مدرک کتبی وجود نداشت، آن کس قادر نبود از خود دفاع کند. بدین قرار، امپراتور نه آنچه زیردستان می‌گفتند، بلکه هرچه را به نظر ایشان می‌بایست می‌گفتند، از آن‌ها می‌شنید. «این چنین بود که «شهریار ما نه تنها هیچ‌گاه سواد خواندن خود را به کار نمی‌انداختند، بلکه دست به قلم هم نمی‌بردند و هرگز چیزی را توشیح نمی‌فرمودند. با آنکه نیم قرن فرمان راندند، شکل امضای همایونی را حتی نزدیکان ایشان به چشم ندیدند.» (ص ۳۷)

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۳۱۴/همایونی-دستخط-امضا-بدون-امپراطور/>